

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

مجله مدیریت فرهنگی

سال دوازدهم/ شماره ۴۵/ پاییز ۱۳۹۸

## مدیریت دانش ایرانی اسلامی براساس آموزه‌های دین اسلام و فرهنگ ایران

حسن موفق

گروه مدیریت فناوری اطلاعات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Movaffagh.hasan@gmail.com

غلامرضا هاشم‌زاده خوراسگانی

دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

اسفندیار دشمن‌زیاری

استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** کشورهای اسلامی مخصوصاً ایران با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است تعداد بسیار کمی از تحقیقات به مدیریت دانش با رویکرد ایرانی و اسلامی پرداخته‌اند و تحقیق جامع و معتبری در این خصوص مشاهده نگردید. مساله اصلی این تحقیق، این است که آیا می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی اسلامی مطرح نمود؟

**روش پژوهش:** در تحقیق حاضر، پژوهشگران با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره پرداخته‌اند.

**یافته‌ها:** در این تحقیق جامعه آماری وجود ندارد و با هفده نفر از خبرگان مصاحبه اختصاصی صورت گرفته است. پس از تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده مفاهیم اصلی اثرگذار در مدیریت دانش ایرانی اسلامی حاصل شد و در این که می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی اسلامی عنوان کرد، جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و بهتر است مدیریت دانش را با نگاه ایرانی و اسلامی ببینیم.

**نتیجه‌گیری:** هدف نهایی از مدیریت دانش ایرانی اسلامی، ایجاد جامعه دانشی اسلامی و نهایتاً اجرای ارزش‌های اسلام در زندگی واقعی است تا مبادله دانش بین نسل‌ها استمرار یابد و پس از آن تولید دانش معاصر براساس مقتضیات زمان و بر مبنای پایه‌ها و مبانی اصول اسلامی صورت گیرد.

**واژگان کلیدی:** دانش، فرآیند مدیریت دانش، سازمان‌های دولتی، مدیریت دانش ایرانی اسلامی.

## مقدمه

استنباط و اجرای درست احکام دین در جامعه است. بنابراین علم و دانش شرط اساسی در تمدن اسلامی است که مذاهب مختلف اسلامی بر آن اجماع و اتفاق نظر دارند (فیرحی، ۱۳۹۱). هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای دانش، معرفت و آگاهی ارزش قائل نیست و هیچ دینی مانند دین مبین اسلام انسان‌ها را از خطر جهل بر حذر نداشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: "دانش، اساس همه ارزش‌ها و جهل (نادانی و ناآگاهی)، ریشه همه انحرافات و مفسد فردی و اجتماعی است". بررسی دقیق موارد کاربرد واژه دانش و معرفت در منابع اسلامی نشان می‌دهد که دانش به طور کلی دارای دو مفهوم می‌باشد: یکی را حقیقت و اصل دانش می‌نامیم و دیگری را ظاهر و فرع آن. از نظر اسلام، دانش، حقیقت و جوهری دارد و ظاهر و پوسته‌ای (تولایی، ۱۳۹۰).

جامعه فعلی یک جامعه دانش‌مدار است. سه مشخصه این جامعه عبارتند از: بی‌مرزی، پویایی و سرعت. مشخصات سه‌گانه مذکور موجب رقابتی شدن بسیار زیاد جامعه دانش‌مدار می‌گردند (حاتمی، صفائی و غلامی، ۱۳۹۴). حرکت سازمان‌های پیشرو و پویا به سوی سازمان‌های یادگیرنده به تثبیت هر چه بیشتر جایگاه مدیریت دانش در استراتژی توسعه و رشد سازمان‌های پیشرو منجر می‌شود (ردگاه و فقیهی، ۱۳۹۳). بر اثر عواملی نظیر خصوصی سازی و غیره، جایجایی افراد در سازمان‌ها بیشتر گردیده است و اکثر سازمان‌ها با بازنشستگی نیروهای با تجربه خود مواجه شده‌اند. بنابراین کارکنان سازمان‌ها نیاز به آموزش‌های بیشتر از آنچه در کلاس‌های آموزشی فرا می‌گیرند، پیدا می‌کنند که این باید به صورت پیوسته صورت گیرد (عسگری، ۱۳۸۴). بر این اساس، نحوه دریافت و جریان اطلاعات، سازماندهی اطلاعات و کاربرد علمی دانش در فعالیت‌های روزانه سازمان‌ها و تربیت و آموزش کارکنان دانشی از جمله ضرورت‌هایی است که زمینه را برای تولید دانش، ذخیره دانش و کاربرد دانش (مدیریت دانش) فراهم می‌سازد (یوگوئل، ۲۰۰۳). مدیریت دانش به عنوان یک رشته علمی هنوز به جایگاه واقعی خود به ویژه در بخش دولتی

از دیدگاه قرآن و روایات مدیریت نقش اول را در تغییر و تحولات اجتماعی بر عهده دارد. کسانی که رهبری فکری مردم را بر عهده دارند؛ و آنانی که مسئولیت اوضاع اجتماعی و مسائل اجرایی را پذیرا شده‌اند، این دو دسته نقش اول را در فساد یا اصلاح جامعه ایفا می‌کنند. پس برای هر تغییر و تحولی باید روی این دو دسته نیرو سرمایه‌گذاری کرد (نقی‌پورفر، ۱۳۸۵). از طرفی دانش و معرفت آدمی را از سایر موجودات متمایز ساخته است و او را بر فرشتگان نیز برتری داده است. همان‌گونه که خداوند در قرآن فرموده است: "و خدا همه معانی نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید، گفتند منزه‌ی تو! ما را جز آنچه خود به ما آموخته‌ای هیچ‌دانشی نیست، تویی دانای حکیم" (بقره، آیه ۳۱ و ۳۲). آزمون مشترکی که خداوند در آیه فوق بدان اشاره می‌کند روشن می‌سازد که دانش‌ورزی قدرتی است که تنها نصیب آدمی شده است. تاریخ نشان می‌دهد که به میزان زیادی دانش و معرفت بشر از ابتدای خلقت تاکنون افزایش یافته است و هر روز حقایق جدیدی بر او آشکار می‌شود. عمده‌ترین انتظارات بشر از توسعه دانش به‌قرار ذیل است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸):

معرفت افزایی، آسایش فردی، آسایش و ثبات اجتماعی در علم مدیریت با توجه به آن که بحث روابط انسانی از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌رود، طبعاً دین مبین اسلام که از مباحث عمده آن تنظیم روابط انسان‌هاست، بهترین مطالب و مسائل را بیان داشته است. از این رو لازم است به جای تسلیم محض در برابر تئوری‌های مدیریتی جهان غرب بحث مدیریت اسلامی را مورد دقت قرار دهیم (نبوی، ۱۳۸۸). تمدن اسلامی، به لحاظ نظری، تمدنی مبتنی بر دانش، به ویژه دانش عملی است. در واقع هنگامی که به سلسله مراتب ارزش‌ها در جامعه اسلامی می‌نگریم، دانش بی‌هیچ رقیب و منازعی در مقام نخست نشسته است. حکومت اسلامی در ساحت نظر و اندیشه، حکومت دانش و دانشمندان، به منظور

دست نیافته است به همین دلیل هنوز مسائل و ابهاماتی در این زمینه وجود دارد، البته تجارب کشورهای پیشرفته و صنعتی نشان می‌دهد مبحث مدیریت دانش به عنوان جزء لاینفک سازمان‌ها در آینده نزدیک مطرح خواهد شد. در صورتی که سازمان‌های دولتی نتوانند زیرساخت‌های لازم را برای پیاده‌سازی مدیریت دانش مهیا کنند قطعاً با چالش‌های مختلفی روبرو خواهند گردید. اهمیت مدیریت دانش در سیاست‌گذاری و خدمات‌رسانی به مردم به حدی است که در برخی از بخش‌های دولتی مدیریت دانش در دستور کار دولت قرار گرفته است (اژدری، ۱۳۸۹).

### بیان مساله

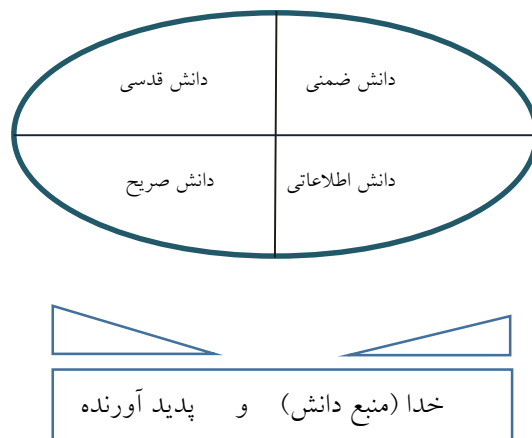
بررسی مفاهیم و رده‌بندی‌های موجود در زمینه مدیریت دانش نشان می‌دهد که طیف متنوعی از نظرات و دیدگاه‌ها در این حوزه وجود دارد، انتخاب ابزارها و مدل‌های مناسب جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش یکی از ملاحظات مدیریتی در استفاده هر چه سودمندتر از دانش‌های آشکار و نهان در سازمان‌ها می‌باشد (رضایی، کلانتری و صالحی، ۱۳۹۴). با گذر از انقلاب صنعتی و ورود به هزاره جدید، دیگر موتور محرکه رشد سازمان‌ها به سرمایه و نیروی انسانی محدود نمی‌شود، مهم‌ترین متغیر رشد همه جانبه سازمان‌ها و بنگاه‌ها در عصر حاضر دانش است (امین مقدم، ۱۳۸۶). ما امروز در عصر دانش به سر می‌بریم. براساس دیدگاه پیتر دراگر کارکنان دانشی و کار دانشی به عنوان عوامل حیاتی در اقتصاد دانش‌محور تلقی می‌شوند (محمدی فاتح، ۱۳۹۰). به همین دلیل اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های هوشمند قرن ۲۱ را دانش و اطلاعات قلمداد کرده‌اند (محمدی فاتح، سبحانی و محمدی، ۱۳۹۰). سازمان‌هایی که می‌دانند دانش و اطلاعات را چگونه باید مدیریت کنند، رهبران صنعت خود خواهند بود (منوریان، محمدی فاتح و زارع‌پور، ۱۳۹۰). امروزه دانش در بسیاری از سازمان‌ها به

عنوان دارایی و سرمایه ارزشمند مطرح شده است. هر سازمان کمابیش از ذخایر دانشی‌ای بهره‌مند است که بخشی از آن در ذهن کارکنان و بخشی دیگر در اسناد و مدارک و رویه‌های سازمانی نهفته است. بهره‌گیری موثر از این دارایی‌های دانشی، پویایی‌های محیطی را برای سازمان قابل درک نموده و سازمان را به سمت اثربخشی هر چه بیشتر سوق می‌دهد. این امر بویژه در سازمان‌های دولتی که می‌کوشند ضمن کاهش هزینه‌های جاری، توان خود را در پاسخ‌گویی جامعه حفظ کنند، حائز اهمیتی ویژه است (رحمان‌سرشت، ۱۳۸۹). امروزه بزرگترین آرزوی سازمان‌ها تعریف یک سامانه مدیریت دانش مناسب و اداره آن به یک روش موفق است (محمدی فاتح، ۱۳۸۶). با مطرح شدن عنصر دانش و دانایی به عنوان اصلی‌ترین منبع و سرمایه سازمان‌ها و اهمیت یافتن کارکنان دانشی، دریچه‌ای نو در اداره امور و مدیریت سازمان‌ها گشوده شده است (هولت هوس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین دانش و دانایی بزرگترین مزیت رقابتی کشورها در عرصه اقتصادی و جهانی و اصلی‌ترین مزیت رقابتی سازمان‌ها در عرصه ملی محسوب می‌شود. بر این اساس، دیگر دست‌اندرکارانی که از نظر فیزیکی قوی‌ترند، مورد توجه نمی‌باشند و این کارگزاران دانشی‌اند که با استفاده از دانش و دانایی، تولیدکننده اصلی ثروت و ارزش افزوده محسوب می‌شوند (شریف‌الدین و رولند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

در عصر کنونی بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تاکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به طور کلی، سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. بر این اساس جهان شمول بودن بسیاری از تئوری‌ها زیر سوال رفته است. در این میان کشورهای اسلامی مخصوصاً ایران با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. به همین صورت جوامع اسلامی نیز

معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل از رسول اکرم (ص) بوده است. اخوان و خادم الحسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام" تحقیق کیفی با رویکرد پژوهش فرایند چرخه‌ای<sup>۳</sup> تحلیل انجام داده‌اند. نتایج کلی از مطالعات حاکی از همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام است تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن، سنت و سیره معصومین (ع) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داد و در راستای مدیریت دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد. این تحقیق نخستین بار به بررسی تطبیقی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی بر پایه احادیث و تبیین رابطه قرآن و علم بویژه دانش روز از دیدگاه منابع شیعی پرداخته است (اخوان و خادم الحسینی، ۱۳۹۲).

در شکل یک می‌توان دیدگاه اسلامی را نسبت به مفاهیم و روابط بین اقسام دانش تشریح کرد. این تقسیم‌بندی به نوعی تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی دانش است. شکل نشان دهنده تصور کلی نسبت به دانش و معرفت است. هر دانشی از دانش‌ها پدید آورنده و حاملی دارد و گوناگونی دانش و معرفت به شکل‌های ذیل، محصول احوال و اسباب آنها است:



شکل ۱- مفهوم‌سازی مرسوم و رایج در دانش (روابط بین دانش و معرفت در دیدگاه کلی) (محمدبکر، ۲۰۱۱)

در حوزه مدیریت جامعه به طور اعم و مدیریت سازمان‌ها به طور اخص نیازمند تئوری‌های بومی اسلامی متناسب با مبانی علوم دینی هستند (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷). تاکنون در حوزه مدیریت دانش مدل‌های مختلفی ارائه شده است ولی بسیاری از آنها با مبانی علوم دینی و با فرهنگ ایرانی سنخیت چندانی ندارد. عدم کاربرد آنها در عمل شکاف میان تئوری و عمل را در اذهان متبادر کرده است. از این‌رو آنچه به نظر می‌رسد متناسب نبودن مدیریت دانش با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی اسلامی است. با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است، متأسفانه فقدان مطالعه‌ای جامع در این خصوص مشهود است و همین امر پژوهشگران را بر آن داشت تا با استفاده از روش کیفی به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره بپردازند.

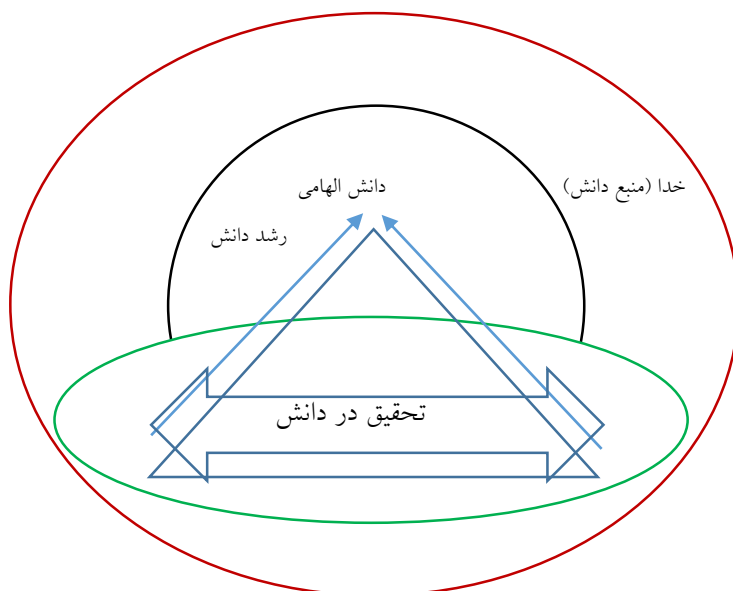
سوال پژوهش حاضر، این است:

آیا می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی اسلامی مطرح نمود و مدلی ارائه کرد؟

#### پیشینه پژوهش

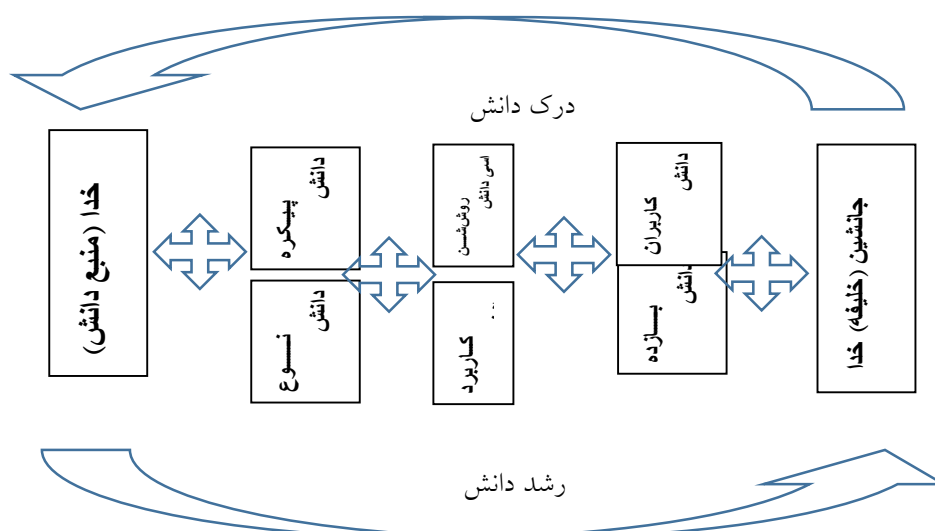
در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت آثاری هست که در آنها منابع مورد استناد،

در شکل دو می‌توان به درک بهتری از مفاهیم اسلامی دانش رسید



شکل ۲- دیدگاه فراگیر و مفهومی اسلام به دانش و معرفت (العطاسف، ۱۹۸۰)

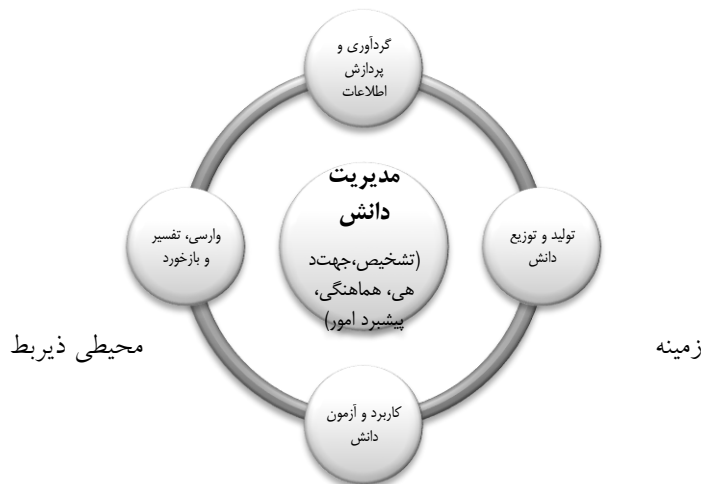
در این الگو دانش قرین با انسانیت در نظر گرفته شده است، یعنی انسان وظیفه دارد دانش خود را مطابق با نیازها، ضروریات و توانایی‌هایش، توسعه دهد. این رویکرد، روشی مستقیم در جستجوی منبع دانش (خدا) برگرفته از اجتهاد متخصصان، خبرگان و اجماع سازنده در روشنای تفسیر قرآن است. بازده و خروجی این فرآیند باید به اندازه کافی ارزشمند و متقاعد کننده باشد تا جذب کننده اذهان منطقی و متفکر به گونه‌ای باشد که ارزش‌های خود را بشناسند و آنها را قدر نهند و عملاً برای رسیدن به افزایش اثربخشی محصولات و دستاوردهای دانش به کار بندند تا در نهایت جانشین خدا گردند.



شکل ۳- الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی (اثر درک اسلامی از علم و دانش در مدیریت دانش) (محمدبکر، ۲۰۱۱)

که مدیریت دانش در مرکز چرخ توسعه دانش مدیریت اسلامی قرار دارد و نقش‌های تشخیص، جهت‌دهی، هماهنگی و پیشبرد امور را ایفا می‌کند.

ترکزاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی" الگوی کارکردی از توسعه دانش مدیریت اسلامی ارائه داده‌اند،



شکل ۴- الگوی کارکردی توسعه دانش مدیریت اسلامی (ترکزاده، ۱۳۸۸)

است. گفتند: ای پیامبر! آن چهار چیز چیست؟ گفت: به علم و دانش گوش فرا دادن و آن را به یاد سپردن و در میان مردمان نشر کردن و خود به کار بستن (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق). هم‌چنین از امام باقر نقل شده است که در ایام فتح مکه، پیامبر اسلام در محوطه کعبه ایستاده بود که هیأتی از نمایندگی قبیله بکرین وائل محضر رسول خدا آمدند و به حضرت سلام کردند. رسول خدا از آنها در مورد قُسنین ساعده پرسید. آنها در پاسخ گفتند: مُرد. پیامبر خدا در حق او دعا کرد و از صفات و رفتار نیک او یاد نمود و گفت: او برای مردم خطبه می‌خواند و می‌گفت: ای مردم گرد آید و چون گرد آمدید، خاموش شوید و چون خاموش شدید، گوش دهید و چون شنیدید، بیندیشید و کامل فرابگیرید و چون فرا گرفتید، به خاطر بسپارید و چون به خاطر سپردید، درست نقل کنید و انتشار دهید (کراجکی، ۱۴۱۰ ق). در روایات بعضی از ائمه نیز، فرایند پنجگانه همانند روایات پیشین، که از رسول اکرم نقل شده، آمده است: و قال بعضهم: أَوَّلُ الْعِلْمِ الْأَنْصَاتُ ثُمَّ لِاسْتِمَاعٍ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ نَشْرُهُ (دبلمی، ۱۴۰۸ ق).

#### فرایند (چرخه) مدیریت دانش در منابع اسلامی

به طور کلی می‌توان گفت: مدیریت دانش از منظر اسلام تلاش برای تحقق دانایی‌های کارکنان، مدیران و ذینفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگهداری، بکارگیری و انتشار دانش، برگرفته از آموزه‌های اسلام برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است. در منابع اسلامی، برای مدیریت دانش فرایندی بیان شده است که می‌توان آن را از آیات و روایات به دست آورد (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲). در منابع اسلامی آمده است: مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت: یا رسول‌الله دانش چیست؟ فرمود: سکوت کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: گوش فرا دادن. گفت: سپس چه؟ فرمود: حفظ کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: به آن عمل کردن. گفت: سپس چه ای رسول خدا؟ فرمود: انتشار دادن (کلینی، ۱۴۲۹ ق). مضمون حدیث فوق به صورت جدی‌تر، در حد لزوم و وجوب، در روایت دیگری از رسول اکرم نقل شده است که حضرت فرمود: چهار چیز بر هر صاحب‌خرد و عقلی از امت من واجب

آمد که مردم به چیز دیگری جز کتاب نتوانند انس یافت (کلینی، ۱۴۲۹ ق). رسول اکرم فرمود: ساعتی نزد دانشمند نشستن و گفتگوی علمی کردن نزد خدای متعال از صد هزار رکعت نماز مستحبی و صد هزار تسبیح و فراهم آوردن ده هزار اسب جنگی برای مجاهدان در راه خدا محبوب‌تر است (دیلمی، ۱۴۰۸ ق). رسول اکرم فرمود: خداوند عزوجل می‌فرماید: گفتگوی علمی میان بندگانم از چیزهایی است که چون به امر من بینجامد، دل‌های مرده با آن زنده می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ ق). امیرالمؤمنین می‌فرماید: هان! خردمند کسی است که با اندیشه درست و نگاهی دوراندیش، از آرای گوناگون استقبال کند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹).

**بکارگیری دانش:** دانش و عمل باهم رابطه دارند. دانشی که به کار گرفته نشود، آفت و وبال است. *الْعِلْمُ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَبِالْ تَمِيمِ آمَدِي، ۱۴۱۰ ق*؛ امیرالمؤمنین فرمود: عمل کننده بی‌دانش، مانند رونده در بیراهه است. هر چه از راه روشن دورتر رود، از مقصودش دورتر می‌شود و عمل کننده با دانش، مانند رهسپار راه روشن است. پس بیننده باید نیک بنگرد که آیا پیش‌رونده است، یا واپس آمده (مجلسی، ۱۴۰۴ ق). خداوند در سرزنش افرادی با ایمان و دانشمند، که دانش خود را به کار نمی‌گیرند، فرمود: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ* (صف: ۲)؛ ای اهل ایمان! چرا آنچه را می‌گویید به آن عمل نمی‌کنید. رسول اکرم فرمود: سخت‌ترین عذاب در روز قیامت، از آن کشته پیامبر یا پدر و مادرش و یا دانشمندی است که از دانشش بهره‌ای نجسته است (نیشابوری، ۱۳۷۵). در منابع اسلامی، افراد و مصادیقی از دانشمندان بیان شده که آنان به دلیل عمل نکردن و سوء استفاده از دانش، مورد مذمت قرار گرفته‌اند.

**انتشار دانش:** آخرین فرایند مدیریت دانش در منابع اسلامی، انتشار دانش است. یکی از احادیثی که بیان شد، این بود: *أَوَّلُ الْعِلْمِ الْأَنْصَاتُ ثُمَّ السَّمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ* (دیلمی، ۱۴۰۸ ق). یعنی فرایند مدیریت دانش با سکوت، آغاز می‌گردد و با انتشار و توزیع به دیگران، پایان یافته و کامل می‌گردد. در منابع اسلامی، انتشار دانش همانند تحصیل دانش، امری واجب و فرض معرفی شده است. امیرالمؤمنین فرمود:

با استفاده از روایاتی که بدان اشاره شد، می‌توان فرایند مدیریت دانش را از منظر اسلام، به صورت ذیل عنوان کرد:

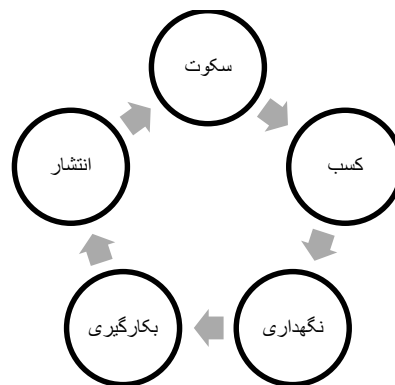
**سکوت:** اولین گام یا فرایند مدیریت دانش در منابع اسلامی، سکوت است. در مرحله سکوت به مسایل، مشکلات و نیازهای سازمان، قلمرو، وسعت، عمق، اعتبار، دقت، به موقع بودن، ربط داشتن، هزینه، کنترل و جامعیت دانش، دقت و توجه لازم صورت می‌گیرد. مثلاً چه دانشی نیاز است تا کسب شود؟ طی چه زمان و کدامین منبع؟ چه دانشی باید در اولویت باشد؟ واژه انصت و سکوت که در احادیث، نقل شد، می‌تواند حاکی از سکوتی همراه با تفکر، دقت روی مسایل و شناسایی دانش باشد. به عبارت دیگر، این سکوت، سکوت انفعالی نیست، بلکه سکوت فعالانه، همراه با تفکر به منظور شناسایی دانش است. امام صادق می‌فرماید: *الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ* (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰)؛ سکوت، شعار پژوهشگران است.

**کسب دانش:** دومین فرایند مدیریت دانش از منظر اسلام، استماع و گوش دادن به منظور کسب دانش است؛ یعنی پس از آنکه دانش ضروری سازمان با سکوت و تفکر مورد شناسایی قرار گرفت، مدیر عالی یا رهبری دانش، که مسئول امور دانشی سازمان است، لازم است کارکنان دانشی را برای کسب و تحصیل دانش، بسیج کند و آنها را مورد حمایت و تشویق مادی و معنوی قرار دهد.

**نگهداری دانش:** یکی از فرآیندهای مهم در مدیریت دانش، نگهداری دانش است. افراد و سازمان‌های دانشی پس از آنکه دانش مورد نیاز خود را کسب کردند، مناسب است آن را حفظ و نگهداری نمایند تا مبادا دانش ایجاد شده، از حافظه سیستم پاک شود و یا ذهن و حافظه افراد آن را فراموش نماید. همان گونه که گفته شده است: *لِكُلِّ شَيْءٍ أَفَةٌ، وَ لِلْعِلْمِ آفَاتٌ* (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق)؛ هرچیز آفتی دارد اما برای دانش آفات زیادی است. یکی از آفت‌های دانش، فراموشی است. چنانچه رسول اکرم فرمود: *أَفَةٌ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ* (برقی، ۱۳۷۱). امام صادق فرمود: علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده و هنگامی که مرگت فرا رسد کتاب‌های خود را به ارث برای فرزندان باقی گذار؛ زیرا که زمانی پر آشوب خواهد

الدَّفَاتِرُ وَالْمَحَابِرُ وَجَبَتْ لَهَا الْجَنَّةُ (دیلمی، ۱۴۰۸ ق)؛ کسی که بمیرد و میراثش دفتر و دوات باشد، بهشت بر او واجب می‌شود. در اسلام، افرادی که دانش نصیبش گشته، باید شکرگذار الهی باشد، به دانش خود عمل کند و دانش فراگرفته را به دیگران ببخشد. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ (کراجکی، ۱۴۱۰ ق)؛ سپاس‌گذاری دانشمند این است که به دانش خود عمل کند و آن را به افراد مستحق، ببخشد.

بر هر دانشمندی واجب است خود را با پارسایی حفظ کند و دانش خود را به جویندگان آن، بذل و بخشش نماید (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق). در همین ارتباط، امام کاظم فرمود: زَكَاهُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۲۹ ق)؛ تزکیه دانش، یاد دادن آن به دیگران است. بدین ترتیب، از منظر اسلام نه تنها نشر و گسترش دانش واجب است که بر آن ثواب مترتب است و وعده بهشت داده شده، بلکه هر کس دانش را کتمان و پنهان نماید و به دیگران نشر و پخش نکند، مورد لعن و نفرین الهی قرار می‌گیرد. امام علی فرمود: مَنْ مَاتَ وَ مِيرَاثُهُ



نمودار ۱- فرآیند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲)

دیگران، ۱۳۹۴). در دهه‌های گذشته تاکید بر روش‌شناسی کیفی، جایگزین تفوق و برتری روش‌شناسی کمی شده است. اگر به پیروی از (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴) مباحث مطرح شده در روش‌شناسی کیفی را به چهار عرصه پارادایم‌ها و رهیافت‌ها، استراتژی‌ها، روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و در نهایت روش‌های ارائه پژوهش تقسیم کنیم، یکی از جذاب‌ترین این عرصه‌ها، استراتژی‌های پژوهشی است. امروزه در روش‌شناسی کیفی استراتژی‌های گوناگون نظیر مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی و غیره وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این استراتژی‌ها کشف نظریه از داده‌ها است که نظریه‌پردازی داده‌بنیاد<sup>۵</sup> نامیده می‌شود. در نظریه‌پردازی داده بنیاد از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش سازمان می‌یابد. در این روش نمونه‌گیری به شیوه‌ای که در پژوهش‌های کمی

### روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ نتیجه، توسعه‌ای؛ براساس هدف تبیینی توصیفی؛ براساس نوع داده کیفی و براساس نقش محقق مستقل از فرآیند تحقیق است. در این تحقیق جامعه آماری وجود ندارد. برای انجام این تحقیق با هدفه نفر از خبرگان مصاحبه اختصاصی صورت گرفته است. انتخاب این گروه براساس شیوه قضاوتی هدف‌مند و گلوله برفی است. این تحقیق یک مطالعه کیفی با رویکرد استقرایی است که ریشه در واقعیت داشته و توضیحات حوادث را به همان گونه‌ای شرح می‌دهد که رخ داده است (پیران‌نژاد و قلی‌پور، ۱۳۹۲). این روش از نظر پارادایمی و نظری بر اصول پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی استوار است و فرض می‌گیرد که انسان‌ها عامل‌های هدف‌مندی هستند که نقش فعالی در تفسیر کردن و پاسخ‌گویی به مساله ایفا می‌کنند (ارشدی و



اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. نظریه بر گرفته از داده‌ها نسبت به نظریه‌ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم براساس تجربه یا تاملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن جا که نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استنتاج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

#### یافته‌های پژوهش

داده‌های جمع‌آوری شده طی فرآیند مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. براساس تحلیل داده‌ها و از ترکیب کدهای استخراج شده مفاهیم اصلی اثرگذار در مدیریت دانش ایرانی اسلامی طبق جدول یک و شکل پنج به دست آمد.

انجام می‌شود مطرح نیست، به عبارت دیگر گستره جمعیت اصلی و ویژگی‌های آن از پیش مشخص و شناخته شده نیست. از طرف دیگر نقطه شروع در نظریه‌پردازی داده بنیاد کار آسانی نیست و این حائز اهمیت فراوان است، زیرا گام‌های آغازین پژوهشگر در رسیدن به نظریه را پایه‌ریزی می‌کند. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه‌پردازی داده بنیاد این است که داده‌های ناشی از نظریه‌های گذشته نباید جریان تحقیق و جمع‌آوری داده را جهت دهد. هم‌چنین مرحله اول تحقیق بر مبنای نظریه‌پردازی داده بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (لقمان‌نیا به نقل از گلاسر، ۱۳۹۰). در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده،

جدول ۱- مقوله‌ها و مفاهیم اصلی استخراج شده

مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله محوری	مفاهیم اصلی
سکوت، کسب دانش، نگهداری دانش، بکار بستن دانش، انتشار دانش، همت و اراده، منبع وحی، دانش سودمند، جهل، نیت و قرب الهی، توکل، جهان‌بینی	آموزه‌های دین اسلام		نیازسنجی فرهنگ‌سازی ساختارسازی زیرساخت‌سازی فن‌آوری متولی‌سازی دانش‌سازی
حکمت (دانایی)، شجاعت، عفت، عدالت، خداپرستی، سوابق و آثار گذشته، اندیشمندان، تمدن ایران	آموزه‌های فرهنگ ایران	مدیریت دانش ایرانی اسلامی	تجربه جهانی تحقیق و پژوهش منابع انسانی فرآیندسازی مرجعیت علمی

اهمیت است: اول فرهنگ سازمان، دوم ساختار سازمان، سوم فن‌آوری، چهارم منابع انسانی و پنجم فرآیندهای دانشی است. یعنی در هر سازمانی باید این پنج شاخص را در اولویت قرار داده و به آنها توجه کنیم تا بتوانیم مدیریت دانش را بومی بکنیم. جهت بومی‌سازی مدیریت

در ادامه به تشریح و تفسیر مفاهیم و برخی از نظرات بیان شده مشارکت کنندگان در مصاحبه اشاره می‌شود.

#### ۱- بومی‌سازی مدیریت دانش

شاخص‌هایی که در بومی‌سازی مدیریت دانش حائز

دانش در کشورمان سه مولفه مهم مطرح است:

نیاز، فرهنگ، ساختار.

تا احساس نیاز نباشد مدیریت دانش اتفاق نمی‌افتد. بعد از احساس نیاز، ایجاد فرهنگ مطرح می‌شود تا زمانی که فرهنگ مدیریت دانش در سازمان‌ها ایجاد نشود، ساز و کارها اگر هم فراهم شود ما را به سمت مدیریت دانش هدایت نمی‌کند. باید ببینیم چه زیرساخت‌هایی برای فرهنگ‌سازی لازم است؟ آیا ما توانسته‌ایم در سازمان خودمان سیستم‌هایی که برای فرهنگ‌سازی مدیریت دانش لازم است پیاده کنیم؟ فرد به یک تکنیک یا دریافت علمی رسیده است آیا حاضر است به راحتی آنرا در اختیار دیگران قرار دهد؟ حتما باید مشوق‌هایی وجود داشته باشد، بوجود آوردن جو همکاری فضایی می‌خواهد که بخشی از آن برمی‌گردد به مدیریت و بخش دیگر آن برمی‌گردد به ساختارهای لازم در یک سازمان. سازمان تا ساختارش را بوجود نیاورد، کسی الزامی برای مدیریت دانش ندارد. واحد مدیریت دانش باید در ساختار سازمان باشد که موانع مدیریت دانش را بررسی کند.

در فرآیند بومی‌سازی کار مهم دیگری که باید انجام بدهیم این است که در یک بازه زمانی آینده پژوهانه حداقل دو دهه‌ای ببینیم که مخزن‌های اطلاعاتی مان و جنس دیتاهای مان در آن زمان در کشورمان با دانشی که داریم، چگونه خواهد بود؟ وسایل و لوازم ذخیره‌سازی و پردازش اطلاعات، نحوه تقاضاهای مصرف کنندگان اطلاعات چگونه باید باشد؟ باید به پژوهشگرها اجازه ورود به سازمان‌های مختلف اعم از خصوصی و دولتی بدهیم. دکتر دانایی‌فرد هم تاکید بر این مورد دارند که باید پژوهشگرها اجازه ورود به سازمان‌ها را داشته باشند تا بتوانند پژوهش نمایند و مدیریت دانش از این حالت کاغذ بازی فاصله بگیرد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: سراسر کشور ما کارگاه است، اجازه دهید پژوهشگرها وارد شوند، کار بکنند و نظام‌های مدیریت دانش را

استخراج نمایند. بیشتر پژوهشگرهای ارشد به کارهای روتین می‌پردازند و به کار دانشی نمی‌پردازند، کار دانشی<sup>۶</sup> در هسته مدیریت دانش است. هر موضوعی که برای اولین بار مطرح شود، از طریق پژوهش‌هایی که توسط افراد یک کشور، محافل و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، گفتمان علمی درباره آن موضوع شکل می‌گیرد و وقتی که این‌ها مستمر و ادامه‌دار باشد و پشتیبانی بشود، پژوهشگاه‌هایی ایجاد بشود، دانشگاه‌هایی ایجاد بشود و ... می‌تواند در آن کشور یک گفتمان تولید کند و باعث می‌شود که دانش در آن حوزه بومی شود. به این صورت دانش بومی درباره موضوعی خاص شکل می‌گیرد و حتی برای کسانی هم که پرچم‌دار و پیشگام موضوع هستند می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. در مدیریت دانش هم همین طور است، وقتی که این گفتمان ایجاد شود در نهایت می‌تواند به تولید دانش بومی منجر بشود.

باید بدانیم ایران اسلامی ما چه چیزهایی دارد؟ نقاط قوت ما چه چیزهایی است؟ در چه حوزه‌های دانشی، مزیت ویژه‌ای داریم که دیگران ندارند؟ این مزیت‌ها اگر در حوزه‌های دانشی پیدا بشود می‌تواند به عنوان مرجعیت علمی ما مطرح شود. برای آن دانش‌هایی که مخصوص ما است، نیاز به نیازسنجی داریم، نیاز به آمایش سرزمینی و اطلاعات داریم که بتوانیم دانشمان را بومی کنیم تا بحث مدیریت آنرا هم بومی کنیم. از طرفی دانشگاه‌ها و موسسات علمی آموزشی باید به سطحی از پیشرفت علمی برسند تا کشورهای دیگر که نیاز به علوم جدید دارند به ما مراجعه کنند و دانش را از ما بیاموزند. در احادیث و روایات هم داریم که آمده است: مردمانی در پارس خواهند بود که دانش را در اختیار خواهند گرفت. پس باید مرجعیت علمی پیدا کنیم. زمانی این امر محقق می‌شود که اولاً آن چیزی را که در دانش تولید و خلق می‌کنیم مفید و سودمند باشد دوم این که بتوانیم آنرا کاربردی کنیم و استفاده بکنیم و مطمئن شویم دانشی

و ضبط و اشاعه دانش پرداخته‌اند. خیلی از بزرگان دنیای علم، ایرانی‌ها هستند که تحت تاثیر آموزه‌ها و فرهنگ ایرانی و اسلامی بودند. در گذشته نزدیک، افرادی مثل دکتر معین تاملاتی در دانش ایرانی داشته‌اند. قطب‌الدین شیرازی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ اشراق، سهروردی، یا حاج ملاهادی سبزواری گوشه‌ای از حکمت ایران باستان را مطرح کرده و درباره حکمت خسروانی سخن می‌گویند.

در خصوص آموزه‌های ایرانی داستان سزایی‌هایی که داریم، زندگینامه‌هایی که به سبک خاصی تالیف شده است، کتاب‌هایی که به صورت سندهای ارزشمند وجود دارد و در سراسر دنیا از آنها بهره‌برداری می‌شود مثل بوستان سعدی، شاهنامه فردوسی، در واقع درس آموزه‌هایی از نحوه حکومت‌داری و غیره است. این‌ها همه مولفه‌هایی از مدیریت دانش هستند که در فرهنگ ما از قرن‌ها پیش ریشه دارند و می‌شود گفت که شاید پیش‌تازترین فرهنگ در حوزه مدیریت دانش باشیم. ما جامعه‌ای داریم که فرهنگ خاص خودش را دارد و این نوع فرهنگ در رفتار آن جامعه تاثیرگذار است. از طرفی مدل‌هایی وجود دارد که از فرهنگ غربی حاصل شده است، فلذا طبیعی است که در فرهنگ ما جوابگو نیستند. هر چقدر ما بتوانیم الگوی مدیریت دانش را با فرهنگ ایرانی خودمان منطبق بکنیم می‌تواند برای استفاده کنندگان کاربردی‌تر باشد ولی اگر این کار را نکنیم مدیریت دانش در سازمان‌های ما کاربرد ندارد. خوشبختانه با تمدن ۲۵۰۰ ساله‌ای که ما داریم، عقبه فرهنگی و دانشی ما در این حوزه خیلی می‌تواند موثر باشد. وقتی ما دارایی‌های فرهنگی و دانشی لازم را داریم، به عنوان یک نقطه قوت محسوب می‌شود و برای فضای جدید امروزی راه‌گشا می‌شود.

### ۳. تاکید اسلام و آموزه‌های دینی بر مدیریت دانش

آموزه‌های دینی، آیات و روایات اسلامی، سیره عملی

که ما داریم همان علم نافع است. در این صورت مدیریت، سازماندهی، انتشار، داوری و ارزیابی آن هم در اختیار ما خواهد بود و در این زمینه مرجع می‌شویم که راه طولانی و کار زیادی می‌طلبد.

### ۲- تاکید ایران و فرهنگ ملی بر مدیریت دانش

اگر به گذشته بگردیم، سه امپراطوری ایران، مصر و یونان در قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد وجود داشت. از قدیم ایران مهد اخلاق، مصر مهد علم و یونان مهد هنر بود. افلاطون پنج خصلت جامعه ایرانی را به عنوان فضائل اخلاقی معرفی می‌کند:

حکمت (دانایی)، شجاعت، عفت، عدالت، خداپرستی. اگر این‌ها را به عنوان سنجه‌های جامعه ایرانی در نظر بگیریم هر کدام از این‌ها یک مولفه مدیریت دانش هستند. در شعر فردوسی داریم: توانا بود هر که دانا بود. توانایی مبتنی بر دانایی است. اگر دانا باشید توانمند هم هستید. پیتز سنگه، پیتز دراکر و سایرین می‌گویند که صاحبان قدرت صاحبان اطلاعات‌اند و صاحب صنایع نیستند. کسی که دارای علم است پیش‌تاز است.

کتیبه‌هایی که از سال‌ها و قرن‌های قبل در ایران قدیم بود، نشان دهنده ثبت و ضبط دانش است. امپراطوری‌های بزرگی که در ایران وجود داشت و آثاری که از قدیم باقی مانده است کاملاً مشهود است که هم دانشمند بودند و هم دانش را خلق می‌کردند و هم دانش را منتشر می‌کردند و خیلی سریع آنرا تبدیل به کتاب می‌کردند و آموزش می‌دادند. فرهنگ و تمدن ایران تاکید زیادی به مدیریت دانش دارد و آنرا تقویت کرده است. در فرهنگ ما ایرانی‌ها دانشمندان و دولت‌مردان تلاش می‌کردند تا در هر دوره‌ای با توجه به امکانات آن دوره مثل سنگ نوشته‌ها و غیره، دانش و مستندات را ثبت کنند. در دوره‌هایی از تاریخ وقتی که تمدن ایران به اوج می‌رسد، یک دلیل عمده آن مدیریت خوب دانش است که دانشمندی مثل ابوریحان، ابن سینا و سایرین به ثبت

محدودیت ندارد. اسلام وقتی که دعوت به علم می‌کند دعوت به علم مطلق است. متعلق علم را اسلام هیچ وقت محدود نکرده است. اسلام می‌گوید علم فی نفسه ارزش ذاتی دارد. متعلقات علم گاهی قرآن است، گاهی روان‌شناسی و گاهی موارد دیگر است. نکته مهم‌تر این است که علمی که اسلام و قرآن مطرح کرده است علمی است که در کنارش تقوا، در کنارش ایمان و در کنارش تعهد را هم مطرح کرده است. یعنی علم مطلق ارزش نیست. علمی که تقوا بیاورد، علمی که ایمان بیاورد، علمی که خدمت انسان به جامعه را انگیزه‌های بیشتری بدهد، علمی که یا راه‌گشای زندگی مادی انسان بشود یا زندگی معنوی انسان، ارزشمند است. در اسلام علم نافع قید شده است. این خودش یک نوع مدیریت دانش است. علم نافع را اسلام جهت‌دهی کرده است. اسلام می‌گوید اگر انبوهی از دانش باشد ولی به درد مردم نخورد این علم نیست، بلکه جهل است.

حدیثی از پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که می‌فرمایند: "اگر علم در چین باشد مردانی از پارس می‌توانند"، فلذا همت و اراده خیلی مهم است. ما باید تلاش کنیم و نهادسازی بکنیم و از آموزه‌های ایرانی و اسلامی در این خصوص استفاده کنیم. بنابراین رویکرد دین رویکردی مبتنی بر تقویت دانش است. نگاه دین این است که همه چیز مبتنی بر منطق و استدلال است. قرآن کریم دیگران را به تفکر، تامل، تدبر و تعقل دعوت می‌کند. یعنی هر چیزی را بخواهیم بررسی کنیم باید براساس منطق، استدلال و دانش باشد. روح حاکم بر قوانین و احکام دینی، بحث عقلانیت، تفکر و دانش است. از طرف دیگر در دین اسلام بر نشر دانش بسیار تاکید می‌شود. در قرآن هم دانش و هم دانشمند ارزش بسیار بالایی دارد. در این خصوص داریم:

"مداد العلماء افضل من دماء الشهداء (قلم و مداد عالم و دانشمند بالاتر از خون شهید است)."

معصومین، سنت و سیره نظری معصومین همه موید بحث اهمیت مدیریت دانش و مخصوصاً بکارگیری دانش است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: "انظر الی ما قال و لاتنظر الی من قال"، به افراد نگاه نکن که دارای چه مسلک، مذهب و اندیشه‌ای هستند، بلکه به داشته‌های علمی آنها توجه کن که چه دانشی دارد. یا پیامبر اکرم فرموده‌اند: "اطلب العلم ولو كان بالسين"، شعاع کند و کاو علمی باید تا چین توسعه پیدا بکند. یا "زکات العلم نشره"، امام صادق (ع) فرمودند: "بهترین شما کسی است که حرف‌های خوب و دانش‌های خوب را انتخاب کند آنها را در عمل به کار بگیرد و نشر بدهد و در اختیار آحاد مردم قرار بدهد." یا در اکثر کتاب‌ها می‌بینید که نوشته‌اند: "تعلیم و تربیت عبادت است".

این که قید اسلامی را بیان می‌کنیم یعنی ارزش‌هایی که از منبع وحی به ما رسیده است و بتوانیم از آنها استفاده بکنیم. اگر من وحی را به عنوان یک منبع قبول دارم پس آیات، روایات و سنت معصومین را به لحاظ این که از وحی منشاء گرفته است، قبول می‌کنم. وقتی وحی را مبنا قرار بدهیم، در وحی توحید مطرح است، براساس توحید به رب‌های مختلف (پول، رئیس، مقام و ...) نباید توجه کنید که این همان قرب الهی است. وقتی که قرب الهی را در نظر بگیرید بحث اشتراک دانش را راحت‌تر انجام می‌دهید، اما وقتی قدرت خودتان را در نظر بگیرید در تصمیم‌گیری شما تاثیر دارد. در بحث دانش اگر نگاه دین را بخواهیم به دست بیاوریم دین اسلام از لحاظ زمان فراگیری و کسب دانش هیچ محدودیتی ندارد بنابراین فرازمانی است. اسلام برای فراگیری دانش و مسلح کردن دانش به علم و آگاهی محدودیت زمانی قائل نشده است. این یک اصل است که باید پرورش پیدا بکند. از لحاظ مکانی هم اسلام دانش را محدود به یک مکان خاصی نکرده است و فرامکانی است. اسلام می‌گوید دنبال دانش برو ولو در دورترین نقطه این عالم باشد. از لحاظ ابعاد هم

#### ۴- مدیریت دانش ایرانی اسلامی

در اسلام و منابع اسلامی مواردی در خصوص مباحث پزشکی، روان‌شناسی و سایر علوم وجود دارد اما این که براساس دین، مرزبندی بکنیم و بگوئیم تا این جا اسلامی است و از این جا به بعد غیراسلامی است، شاید کار ساده‌ای نباشد. ما باید به مرجعیت علمی برسیم و وقتی که به مرجعیت علمی رسیدیم آن وقت در یافته‌های علمی و دانشی خودمان، وقفه فرهنگی و دینی را هم می‌توانیم بارگذاری کنیم. در تمام دانش‌ها دو لایه داریم: یک لایه جنرال و عمومی است. مقصود از عمومی یعنی آنچه که طبق ساختار طبیعی شکل گرفته است. موضوعاتی مثل مدیریت دانش چون به این لایه زیرساختی نزدیک است درصد بومی‌سازی آن با این اصطلاح کم‌رنگ است. در دانش‌هایی که این چنین هستند، ریاضیات، فیزیک، شیمی و غیره، می‌گویند این دانش‌ها جنرال یا عمومی است و اسلامی، غیراسلامی، ایرانی، غیرایرانی ندارد. اما براساس آموزه‌های دین، ما معادلاتی را می‌توانیم از خلقت به دست بیاوریم که خدا در وحی حکایت کرده است که این‌ها هست و بدانید. باید با آن معادلات بسته‌های علم موجودمان را تکمیل کنیم تا پیشرفت حاصل شود. لذا ریاضی اسلامی، فیزیک اسلامی، شیمی اسلامی به این معنی که گفته شد باور داریم. برای روشن شدن مقصود در کتب روایی نقل شده است:

"خیر عوانیکم ازجاج، بهترین ظرف‌ها، ظرف‌های شیشه‌ای است."

- در عصر حاضر ظروف شیشه‌ای آشپزخانه‌ای، ابتکارش، صنعتش، برندش، استانداردها دست کدام کشور است؟ پیرکس فرانسه جزء برندهای معتبر جهان است.

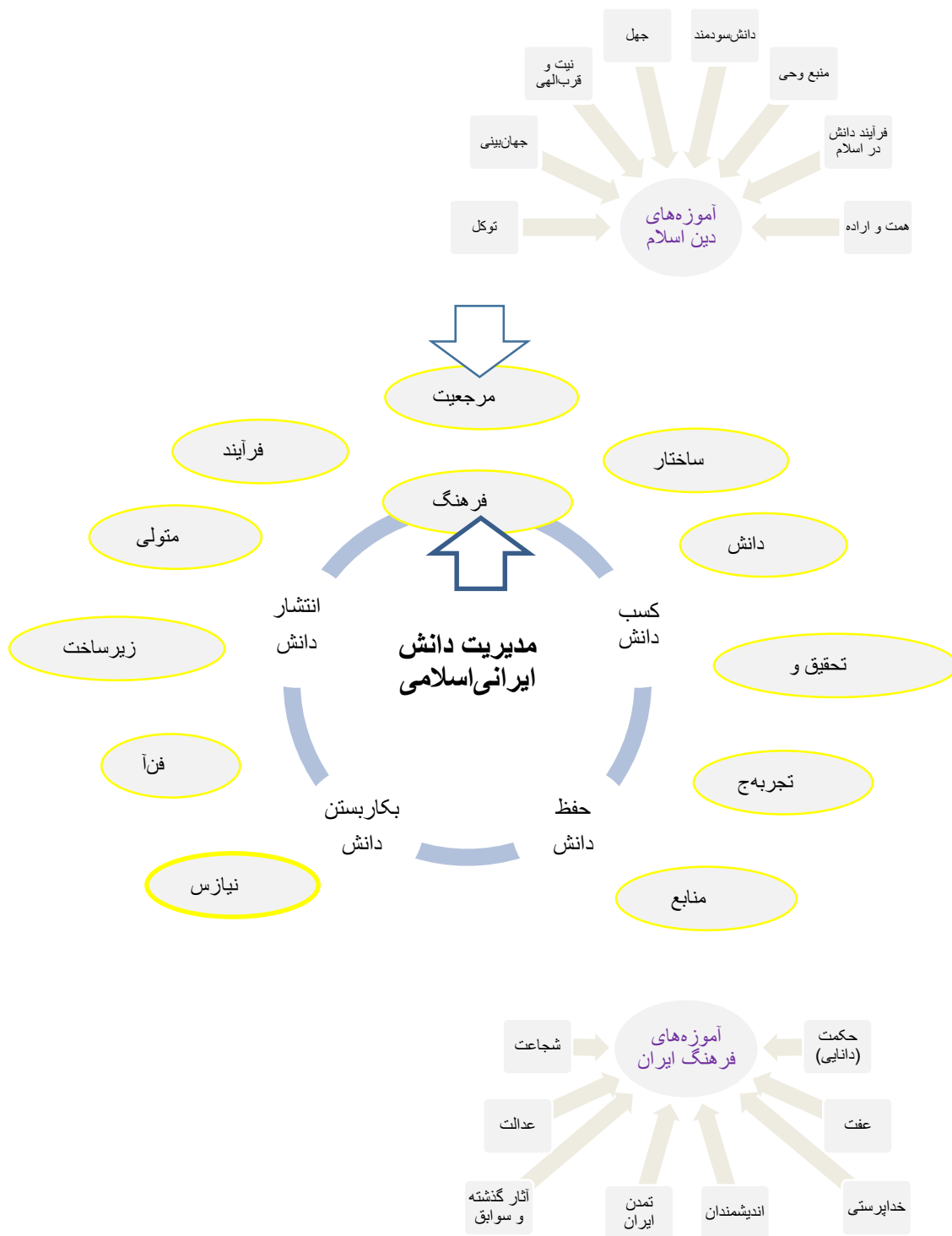
- خیر عوانیکم ازجاج، مربوط به چند سال پیش است؟ ۱۴۰۰ سال پیش.

- صنعت پیرکس فرانسه مربوط به چند سال پیش

است؟ ۱۰۰ سال پیش.

ما از آن موقع به جای این که بعضی جریانات را، صرفاً فقط یکسری توصیه‌های اخلاقی فردی می‌دیدیم، به صورت راهبردی نگاه می‌کردیم، به استناد این روایت می‌گفتیم که بایستی صنعت ظروف شیشه‌ای آشپزخانه‌ای دنیا را در انحصار خودمان داشته باشیم. فلذا این روایت را راهبرد می‌دانستیم و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کردیم و به سمت آن حرکت می‌کردیم و در طول سالیان متمادی دانش انباشته ایجاد می‌شد. در نتیجه الان بعد از ۱۴۰۰ سال نسبت به دانش ظروف شیشه‌ای چه چیزی داشتیم؟ اگر این طور می‌شد الان روی میز ما لیوانی بود که این لیوان از جنس شیشه‌ای خاصی بود که دانش انباشته ۱۴۰۰ ساله آنرا شکل داده و زیرش مارک خورده بود: برند اسلامی. آیا این مارک را می‌توانستیم بزینم؟ و می‌توانستیم بگوئیم لیوان اسلامی؟ مخاطبین می‌گفتند اگر این طور باشد بله، می‌توانستیم بگوئیم لیوان اسلامی. پس اگر بگوئیم لیوان اسلامی مقصود این نیست که اسلام یک عالم دیگری با یک قوانین طبیعت دیگری را می‌خواهد و می‌خواهد غیر از قوانین طبیعت تجربی جاری ایجاد بکند.

مدیریت دانش ایرانی اسلامی کاملاً مورد تاکید است و شواهد بسیار زیادی می‌توانیم برای تایید این موضوع معرفی کنیم. بنابراین در این که می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی و اسلامی عنوان کرد جای شک و شبهه نیست و بهتر است مدیریت دانش را با نگاه ایرانی اسلامی ببینیم. مدیریت دانش ایرانی اسلامی قطعاً لازم است که مدللش هم ایرانی اسلامی باشد چون مدلهایی که از کشورهای غربی به صورت تئوریک وارد کشور ما شده است با ساختار فرهنگی ما، با دین ما و با پارادایم فکری‌ایی که در جامعه ما هست همسانی ندارد. فلذا بحث مدیریت دانش را بهتر است که ما به صورت ایرانی اسلامی که با فرهنگمان، مذهب و دینمان همسانی و هماهنگی دارد مطرح کنیم.



شکل ۵- مدیریت دانش ایرانی اسلامی

### نتیجه‌گیری

بخش‌نامه‌ها بخواهیم این کار را انجام دهیم، می‌شود از آیات و روایات استفاده کنیم، حداقل برای این که اهمیت بخش‌نامه را تبیین کنیم می‌توانیم به آنها استناد کنیم. هم‌چنین جهت

۱- اگر ما جامعه خودمان را یک جامعه دینی بدانیم، برای این که مدیریت دانش را پیاده بکنیم به جای این که با

بومی سازی مدیریت دانش مراجعه به ادبیات کشور خودمان و ادبیات تاریخی مان مفید است.

۲- بعضی دانش‌ها از لحاظ نظری خیلی خوبند، و توصیف‌ها و تحلیل‌های خیلی خوبی هم می‌دهند، اما دانش عملی که می‌گوییم کاربردی باشد و در جامعه حل مساله بکند از آنها استخراج نمی‌شود. قسمت اعظم دانش نظری از این جنس است که در کتابخانه‌ها می‌ماند. در مدیریت دانش محوری‌ترین موضوع به عملیات و به خروجی رساندن دانش است، به کاربرد و کارکرد رساندن دانش است و گرنه تولید علم صرفا جواب نمی‌دهد. در مدیریت دانش ایرانی اسلامی ما باید آنقدر شهامت داشته باشیم که دانش نظری را بدون آن پیوست‌های عملی تعریف نکنیم چون در نگاه دینی این تقریبا معنی ندارد.

۳- امروز در مدیریت دانش به حکمت نیاز داریم، حکمت یعنی جامع‌نگری در همه ابعاد. قرآن می‌فرماید: "من یعقل الحکمه فقد اوتی خیرا کسیرا". در هر جامعه‌ای که حکمت باشد خیر کسیر در آن موج می‌زند. درمان بیماری‌های امروز جامعه به آدم‌های جامع نگر در تولید علم و دانش نیاز دارد. آدم‌هایی که حکیم‌اند و جزئیات را می‌فهمند. مدیریت دانش بدون حکمت یعنی قطعه قطعه پازل را می‌فهمد ولی قطعات را نمی‌تواند کنار هم بگذارد تا تصویر درست بدهد. یکی از اهداف در مدیریت دانش ایرانی اسلامی باید این باشد که به مرجعیت علمی برسیم.

۴- مدیریت دانش قبل از ایجاد رقابت برای کشور، باید بتواند به توسعه عدالت اجتماعی کمک کند. مدیریت دانشی که صرفا به سودآوری بیانديشد و رقابت را سرلوحه کار خودش قرار بدهد ما آنرا نمی‌خواهیم. در الگوی ایرانی اسلامی دنبال عدالت هستیم، مدیریت دانش باید بتواند نقش عدالت اجتماعی را احیاء کند. هم‌چنین توجه کنیم که ما نمی‌توانیم در مدیریت دانش همه راه را از صفر تا صد برویم. بخشی از این راه طی شده است، ما بایستی آنرا اصلاح کنیم و توسعه دهیم. ۵- در فرهنگ غرب این طور تلقی است که خدایی وجود ندارد و صرفا تلاش است. اما در الگوی اسلامی و دینی

می‌گویند شما حرکت بکنید و به یک فرا اراده‌ای توکل داشته باشید. بزرگترین شرکت‌های دنیا پایشان را از گلبمشان فراتر گذاشته‌اند، یعنی هدف راهبردی داشتند. ما نباید بگویم امکانات نداریم، وسع ما همین است. باید توکل کنیم و آن آرمان‌ها را ببینیم و اندیشه ما گسترده باشد.

۶- در خصوص مدیریت دانش سه محور مطرح است: محور اول: مدیریت دانش هنوز بالغ نشده و قوام نگرفته است، و این یک فرصت است تا سامانه فکری و مبانی نظری ایجاد بشود و مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های خودمان آنرا شکل بدهیم. جوهره آن این است که بفهمیم دانش چیست تا بخواهیم مدیریت کنیم.

محور دوم: ما در کشورمان اقتضائاتی داریم که ایرانی بودن را، با روسی بودن، با عراقی بودن متفاوت می‌کند. جوهره محور دوم فرهنگ و ساختار است و هسته فرهنگ رفتار است.

محور سوم: ما به مکتبی معتقدیم که متفاوت از مسیحیت، سکولاریسم و سایر مکاتب فکری است که جوهره آن وحی است.

۷- هدف نهایی از مدیریت دانش ایرانی اسلامی، ایجاد جامعه دانشی اسلامی و اجرای ارزش‌ها و معانی اسلام در زندگی است. مبادله دانش بین نسل‌ها استمرار می‌یابد و پس از آن تولید دانش معاصر براساس مقتضیات زمان و بر مبنای پایه‌ها و مبانی اصول اسلامی صورت می‌گیرد و از طریق مدیریت مستمر دانش اسلامی، اجرا و بهره‌وری آن مستدام خواهد بود.

#### منابع

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌ابن‌علی (۱۴۰۴ ق). تحف‌العقول عن آل‌الرسول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین. اخوان، پیمان و سید پیمان خادم‌الحسینی (۱۳۹۲). تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۲. ارشدی، وحید، سلیمی‌فر، مصطفی، ناجی‌میدانی، علی‌اکبر و بهروز مهram (۱۳۹۴). نظم‌پذیری جمعی درون

- خانواده؛ پدیده محوری در تاثیرپذیری عملکرد اقتصادی از آموزه‌های اسلامی: مقاله‌ای براساس نظریه زمینه‌ای، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۸، شماره ۱. اژدری، علیرضا (۱۳۸۹). مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی، پایگاه مقالات علمی مدیریت.
- امین‌مقدم، علی و مریم ستوده ریاضی (۱۳۸۶). ارائه مدلی برای توسعه مدیریت دانش در سازمان‌های تحقیقاتی با رویکرد استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، سومین کنفرانس ملی مدیریت دانش، تهران: سالن همایش‌های بین‌المللی رازی.
- برقی، احمدابن محمد (۱۳۷۱). المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پیران‌نژاد، علی و آریین قلی‌پور (۱۳۹۲). مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۲.
- ترک‌زاده، جعفر (۱۳۸۸). روش پژوهش فرآیند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۶۱.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ ق). غرورالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمحمد رجایی، قم، چاپ دوم: دارالکتاب الاسلامی.
- تولایی، روح‌اله (۱۳۹۰). بررسی مفهوم دانش در منابع اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی علی رضائیان. دانشگاه امام صادق.
- حاتمی، رضا، صفائی، بهزاد و سعید غلامی (۱۳۹۴). بررسی مدل‌های مدیریت دانش و ارائه مدل مفهومی مدیریت دانش به عنوان مزیت رقابتی با استفاده از رویکرد پویایی‌های سیستم، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- حسینی زبیدی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری. بیروت: دارالفکر.
- دانایی‌فرد، حسن و نونا مومنی (۱۳۸۷). تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)، استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۴، شماره ۱۴.
- دیلمی، حسن‌ابن محمد (۱۴۰۸ ق). اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: موسسه آل‌البیت.
- رحمان‌سرشت، حسین (۱۳۸۹). پروژه‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش، موجود در [iran.blogfa.com](http://iran.blogfa.com).
- ردگاه، ژاله و علیرضا فقیهی. (۱۳۹۳). "راه‌کارهای بهره‌گیری از مدل مدیریت دانش نوناکا در سازمان‌ها". کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.
- رضائی‌کلاتتری، مرضیه و محمد صالحی (۱۳۹۴). نقش مدل‌های مدیریت دانش در سازمان‌های امروزی، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز، استان مازندران، ساری.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۸). پیشرفت علم، چاپ اول: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عسگری، ناصر، (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین عوامل ساختاری و راهبرد مدیریت دانش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۱). "قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، چاپ یازدهم: نشر نی.
- کراجکی، محمدابن علی (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد، تصحیح عبدالله نعمه، قم: دارالذخایر.
- کلینی، محمدابن یعقوب (۱۴۲۹ ق). الکافی، قم: دارالحدیث.
- لقمان‌نیا و دیگران (۱۳۹۰). شناسایی مولفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس نظریه داده بنیاد، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴، سال ۱۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار، بیروت، چاپ دوم: دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹). علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحدیث.
- محمدی‌فاتح، اصغر، سبجانی، محمدصادق و داریوش



Al-Attas, Syed Muhammad Al-Naguib (1980). *The Concept Of Education In Islam: A Framework For An Islamic Philosophy Of Education*, Kuala Lumpur, Muslim Youth Movement Of Malaysia (Abim).

Denzin, Norman K And Lincoln, Yvonna S (1994). *Introduction: Entering The Field Of Qualitative Research*, Thousand Oaks, Ca: Sage.

Holtshouse, D (2010). *Knowledge Work 2020: Thinking Ahead About Knowledge Wprk*, Journal Of On The Horizon.

Muhammadulbakir, Hj, Yaakub (2011). *Islamic Conceptualization Of Knowledge Management*, American Journal Of Economics And Business Administration.

Sharifuddin Syed Ikhsan, S.O And Fytton Rowland (2004). *Knowledge Management In A Public Organization: A Study On The Relationship Between Organizational Elements And The Performance Of Knowledge Transfer*, Journal Of Knowledge Management.

Strauss, A, Corbin, J (1998). *Basic Of Qualitative Research: Techniques And Procedures For Developing Grounded Theory*, 2<sup>nd</sup> Ed. Thousand Aoks, Sage.

Yoguel, G, Et Al, (2003). *Knowledge And Information: The Diffusion Of Ict In The Argentinaian Manufacturing Industry*, Butterworth Heinmann, Newtown.

محمدی (۱۳۹۰). مدیریت دانش رویکردی جامع، تهران، چاپ دوم: انتشارات پویش.

محمدی فاتح، اصغر (۱۳۸۶). شناسایی عوامل کلیدی توفیق سیستم مدیریت دانش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: موسسه راهبردی ریاست جمهوری.

محمدی فاتح، اصغر (۱۳۹۰). مدیریت دانش در محیط کار پست مدرن، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت دانش، تهران: سالن همایش‌های بین‌المللی رازی.

منسوب به امام صادق (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعه، بیروت. منطقی، محسن و ظاهر اکبری (۱۳۹۲). مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی، سال ۳، شماره ۱.

منوریان، عباس، محمدی فاتح، اصغر و فضل‌اله زارع‌پور (۱۳۹۰). خلق سازمان‌های دانش محور، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

نبوی، محمدحسن (۱۳۸۸). مدیریت اسلامی، قم، چاپ چهاردهم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۵). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، چاپ بیست و پنجم: چاپ ماه.

نیشابوری، محمدابن احمد (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: رضی.

#### یادداشت

1. Holthouse

2. Sharifuddin, Ikhsan And Rowland

3. The Cyclical Process Of Analysis

4. Denzin & Lincoln

5. Grounded Theory

6. Knowledge Work